

چرا اینقدر انتقاد زیاد است؟

دکتر محمود سریع القلم

تنظیم: سجاد سلیمانی SajadSoleimani.ir

خاطرهٔ اولین کلاس دانشگاهی خود را در چهارم بهمن ۱۳۵۵، نه تنها به یاد دارم بلکه با آن زندگی می‌کنم. ۸ صبح بود و استاد کامپیوتر وارد کلاس شد و بلافاصله سه واژه روی تخته نوشت: داده‌ها، پردازش و ستانده‌ها یا ورودی‌ها، پردازش و خروجی‌ها. او گفت کامپیوتر بر اساس این سه واژه بنیان نهاده شده است. اما استاد کامپیوتر با نکته مهم تری ادامه داد: کل زندگی بر اساس این سه واژه ساخته می‌شود.

اگر بیمار می‌شویم (خروجی) به خاطر نوع رژیم غذایی و ساختاری است که در آن زندگی می‌کنیم (ورودی‌ها). جسم انسان، این ورودی‌ها را پردازش می‌کند. اگر کسی شنا کردن می‌داند ممکن است به خاطر این باشد که پدر و مادر در شش سالگی، او را در کلاس شنا ثبت نام کردند. کلاس شنا، این مهارت را به او آموخت. اگر هوای تهران آلوده است بخاطر سیاست‌های غلط شهری و اقتصادی طی نیم قرن گذشته است. جغرافیای تهران و اطراف، محل اجرای این سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های غلط بوده است. اگر کسی مؤدب نیست در مجموع بخاطر این است که خانواده، مدرسه و فرهنگ عمومی، از این نوع تربیت شخصی غفلت کرده‌اند. در فقدان تربیت، روح و روان و فکر فرد، بی ادبی را طبیعی قلمداد می‌کند. اگر کسی حداقل انتظارات از دیگران را دارد عمدتاً بخاطر تربیتی است که در خانواده شده، اعتماد به نفس پیدا کرده و توانایی بدست آورده که متکی به آنهاست. قدرت فکر و تجزیه و تحلیل و زحمت کشیدن مداوم فرد، این خصلت بسیار مثبت را فراهم آورده است.

انتقادات زیاد است چون ما انتظارات غیر واقعی داریم. هیچ خروجی بدون دلیل نیست. در پایتخت دانمارک، ۵۰ درصد مردم با دوچرخه تردد می‌کنند. ۴۰۰ کیلومتر خطوط دوچرخه سواری ساخته شده است و ۶۳ درصد نمایندگان مجلس با دوچرخه به پارلمان می‌روند. تعداد دوچرخه در پایتخت (۵۶۰۰۰۰) از جمعیت شهر (۵۲۰۰۰۰) بیشتر است. ۲۵ درصد از مردم با دوچرخه باری، فرزندان خود را به مدرسه برده و یا خرید هفتگی خود را انجام می‌دهند. مردم پایتخت دانمارک در سال ۲/۱ میلیون کیلومتر سفر دوچرخه‌ای می‌کنند. استفاده به مراتب کمتر از انرژی‌های فسیلی، محیط زیست سالم، کم‌نیازی به اتوموبیل و شهرهای خلوت‌تر و زیباتر، نتایج این عملکرد هستند. اقدام و تداوم جدیت عامه مردم و مسئولین دانمارکی برای تصمیمی که چهل سال پیش گرفتند، این خروجی‌ها را به ارمغان آورده است.

بنظر می‌رسد بسیاری از ما، خروجی‌های بدون زحمت و مجانی می‌خواهیم. آیا می‌توان بدون ورودی، انتظار خروجی داشت؟ رقابت نمی‌کنیم ولی کارآمدی می‌خواهیم. هر آنچه می‌خواهیم به دیگر کشورها می‌گوییم و انتظار داریم آنها به ما احترام بگذارند و هیچ نگویند. در خفا پشت سر افراد هر کار منفی انجام می‌دهیم و بعد به همان افراد تبریک عید نوروز می‌فرستیم و می‌گوییم ارادتمند شما هستیم. به همسایه توهین می‌کنیم و بعد می‌گوییم چرا مدتی است ما را محل نمی‌گذارد! از اتوموبیل تا می‌توانیم زباله پرتاب می‌کنیم بعد می‌گوییم چرا شهر ما تمیز نیست. دوستان خود را به کار می‌گماریم بعدی می‌گوییم تصمیم‌گیری‌ها در کشور، تخصصی نیست. بعد از شامی که ساعت ۱۰ یا ۱۱ شب می‌خوریم کلی میوه و شیرینی می‌خوریم، بعد بیمار می‌شویم در CCU می‌گوییم قسمت ما این بوده است. با گفتن حرف‌های نسنجیده، انجام کارهای بدون فکر قبلی و نسبت دادن‌های غلط به افراد، آنها را ناراحت می‌کنیم و دوستی‌ها را نابود می‌کنیم بعدی می‌گوییم دست خارجی در کار است.

ورودی‌های ما خیلی ایراد دارد. فکر، مشورت، سؤال، آینده‌نگری، هماهنگی، همکاری، حمایت و خویشتن‌داری در ورودی‌های ما ضعیف است. در شلیک کردن به خود هنرمندیم. هزاران مجوز برای چاه عمیق در اطراف دریاچه ارومیه طی چندین دهه صادر کردیم تا دریاچه در کنار عوامل دیگر خشک شد. چه تصمیم گیرندگان و چه جامعه مدنی متوجه پی‌آمدهای دراز مدت نشدند. بنابراین، اگر از منظر ورودی-پردازش-خروجی به مسایل کشور نگاه کنیم، وضع بسیار طبیعی داریم و خروجی‌های ما حالت عادی دارند مانند فردی که ۳۵ سال سیگار بکشد طبعاً باید در انتظار انواع بیماری‌ها به عنوان خروجی در جسم خود باشد. کاری را بدون فکر پیش بردن، حتماً پی‌آمد دارد. وقتی وزارت خارجه کشور، زبان حقوقی رایج جهانی و زبان مؤدب سنتی ایرانی را کنار می‌گذارد و کشور دیگری را فاسد خطاب می‌کند باید در انتظار تعدد کنفرانس‌ها و اقدامات ضد ایرانی همان کشور در نیویورک بنشیند. ممکن است در پاسخ این نکته گفته شود آنها شروع کردند. پاسخ مجدد اینست: در هر نوع نزاعی باید زبان حقوقی داشت؛ خشم را فروبست و ورودی‌های منطقی، عقلی و مؤدبانه به کار گرفت. نزاع و تقابل جزء مهمی از زندگی بشری است. اگر مجموع نویسندگان و علاقمندان به کشور و آینده آن بخواهند کارهای مثبت ماندنی انجام دهند چه بسا باید بر ورودی‌ها تأکید کنند و آنها را منطقی‌تر نمایند تا در پردازش منطقی، خروجی‌ها به نفع جامعه و کشور باشد. هر عملی، عکس‌العملی دارد. هر کنشی، واکنشی دارد. روابط میان افراد، همسایه‌ها، شهروندان، دولت و ملت، روابط میان سازمان‌ها و در نهایت کشورها، تابع این قاعده هستند. انسان هر بدی به دیگری کرد، باید به طور بالقوه و شاید بالفعل در انتظار واکنش باشد و هر خوبی کرد شاید هم خوبی ببیند. در این جهان مجازی، حواس اکثریت جمع است. اگر انتقاد می‌کنیم به ورودی‌ها هم توجه کنیم. مجانی در انتظار خروجی‌ها نمی‌توان نشست. بسیار مفید و سازنده خواهد بود اگر ایرانیان روان پزشک مطالعه کنند چرا بسیاری از ما

تصور می‌کنیم دیگران چه در داخل و چه در سطح جهانی نباید به کارهایی که ما انجام می‌دهیم واکنش نشان دهند. به عنوان یک فرضیه اولیه، ظاهراً خود را خیلی حق به جانب قلمداد می‌کنیم. بحث ورودی-خروجی به تاریخ ۱۷۰ ساله اخیر ما نیز مربوط می‌شود زیرا یکی پس از دیگری، نهضت‌های اجتماعی و اصلاحی شکل گرفته تا جامعه به طرف آزادی، عدالت، استقلال، توسعه، رفاه، پیشرفت، اخلاق‌مداری، احترام بین‌المللی و در یک کلام به طرف سعادت پیش برود اما کمتر بر کیفیت و کمیت ورودی‌ها توجه کرده‌ایم و یک منحنی سینوسی را تجربه کرده‌ایم. اگر تمدن حداقل تکنیکی جهان معاصر چند ستون داشته باشد، یکی از آنها، خودانتقادی و اصلاح از داخل است. بدون خودانتقادی و تغییر ورودی‌ها، خروجی‌ها متحول نمی‌شوند. ورودی‌ها نیز از خود شروع می‌شوند. هر فرد و جامعه‌ای، مسئول ورودی‌های خودش است چه ورودی‌های مثبت و چه منفی. هر فردی و کشوری باید وضع خود را به تناسب عقلانیت، تصمیم‌گیری‌های منطقی درازمدت، خلوص، احترام، پرکاری، دقت، مشورت، همکاری بسنجد. خاطرم هست در ۱۷ خرداد ۱۳۸۵ به صورت تصادفی با استاد محترم دانشگاه تهران، آقای دکتر جمشید ممتاز هم‌سفر بودم. هنگام صرف چای به من گفت: معیاری در ارزیابی افراد دارم: گله و شکایت نمی‌کنند، انتظاری هم از دیگران ندارند و متمرکز بر فعالیت‌های خود هستند. دکتر ممتاز یکی از بهترین ورودی‌های فکری در زندگی را به من هدیه داد. مولانا می‌فرماید:

از مکافات عمل غافل مشو

گندم از گندم بروید جو ز جو